

웹툰 MINI
원작 유인

kidari STUDIO
(주) 키다리스튜디오



외과의사
엘리제

مترجم: H._H
ادیتور: momo

M

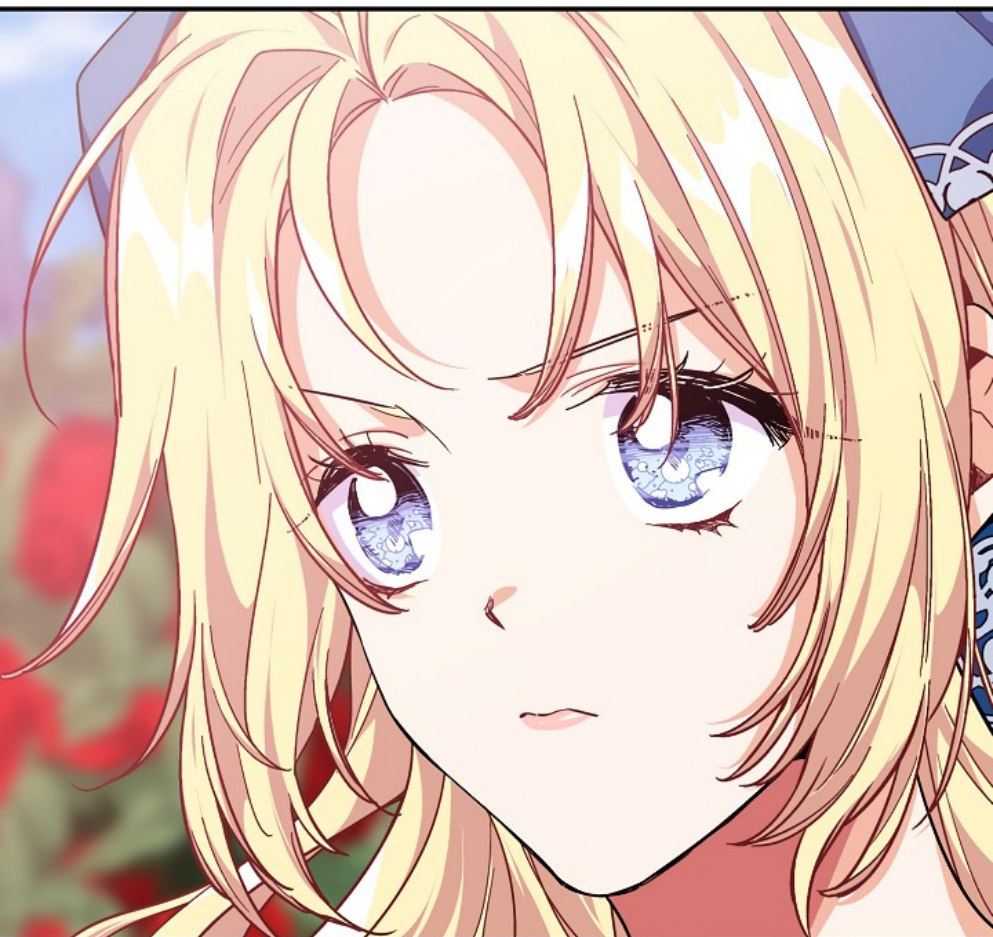
MIRANKA

من...
من باید بازم شاهد
رنج کشیدنش باشم؟



نمیخوام ببینم
که دوباره
صدمه میبینم.

هنوز نمیدونم
چجوری ولی کاری
که باید انجام
بدم مشخصه.



سعی میکنم
جلوی این تراژدی
رو بگیرم.



نخست وزیر
نامزدی بانو کلارنس
رو تبریک میگم.



مناسبت فرخنده ای
برای کل امپراتوری سه.

هاها...



مومو: پدر و پسر مثل همین 😊

ای- اینطوریه؟

البتہ!
چه چیزی میتونه
فرخنده تر از
این باشه؟



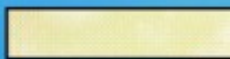
میگن همه دامادا
دزدن... به خاطر همینه
که از درون دارم
میسوزم؟



البته، الیزه هم مثل
قبل نیست، ولی...

این رو میدونم،
ولی باعث میشه حتی
بیشتر ازش متعجب
باشم.





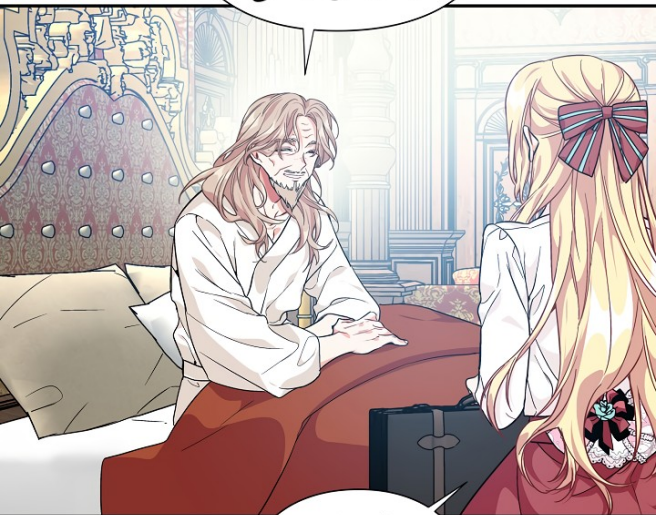
آماده سازی
برای مراسم نامزدی
طبق برنامه پیش
میره؟



بله اعلا حضرت.



باید حواست
رو جمع آماده مراسم
شدن کنی و به فکر
درمان من نباشی.



نمیتونم
همچین کاری کنم
اعلاحضرت.

الان اشکال
نداره، ولی تو همسر
ولیعهد خواهی شد.
همیشه نمیتونی به این
کار ادامه بدی.



حتی اگه الان
از منصب پزشک سلطنتی
بودنت دست نکشی،
هنوزم باید آماده
ورود به قصر بشی.

ولی بذارید رو
روند درمانتون نظارت
داشته باشم. من میخوام
این کار رو بکنم.



بسیار خب
ولی نباید به خودت
فشار بیاری.

اگر هم در دسترس
نبودی، ما بقیه
پزشک های لایق
رو داریم.

بله،
ممنون!

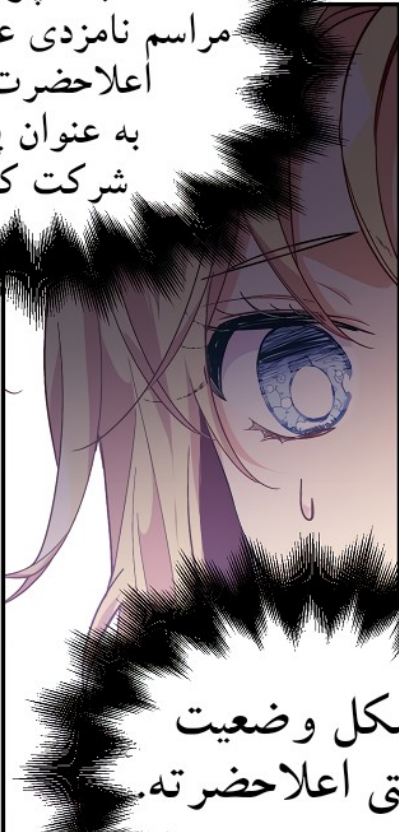
آه،
و همینطور...

من حتما تو
مراسم نامزدی ستون
شرکت میکنم



اعلا حضرت...!





البته، چون این
مراسم نامزدی عالیجناب سه،
اعلا حضرت باید
به عنوان پدرش
شرکت کنه...

مشکل وضعیت
سلامتی اعلا حضرته.

مراسم نامزدی تو
کلیسای جامع برگزار
میشه. بخاطر تشریفات
سنتی ای که اجرا میشه
مدت زیادی طول
میکشه تا تموم بشه.

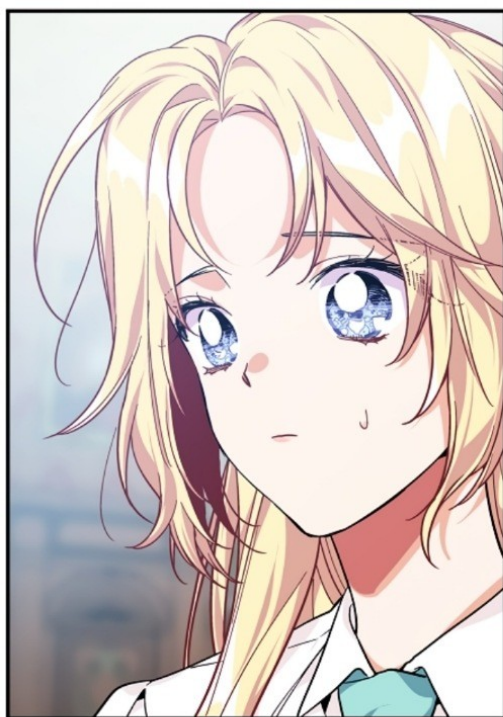
اوضاع با بنیه ضعیف
ایشون سخت میشه.

حتی اگه فقط بشینن،
مراسم تقریباً ۶ ساعت
طول میکشه. مشکلی
براشون پیش نیاد؟

من خیلی وقته
منتظر چنین روزی ام.
به هیچ وجه ازش
کوتاه نیام.

و نه فقط نامزدی،
بلکه تو عروسی هم
شرکت میکنم.

یادت باشه.



لازمه همه چی
خوب پیش بره...



اگه مراسم
نامزدی طبق برنامه
برگزار بشه، رنج مقبولیت
ولیعهد به سقف میرسه.



دقيقا.



لیزه...
زید بیجا



...لیزه.

لیزه.

ہاپ



حداقل تو کنار می.



لیس
lick




مومو: برای صد هزارمین بار عاشقت شدم لعنتییییی. T^T

نگران من بودی؟
چیزی نیست، خوبه.

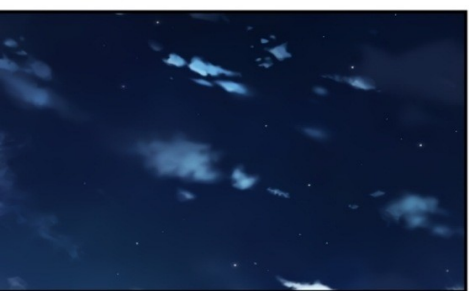
هاها





...ممنون.

مومو: ۱-آقا این یه جوری بود که انگار به جمله
قبلیم جواب داد یا خدا @@
۲-عزیزترین قلبم درد گرفت T^T



بارُن، فکر کنم
به اندازه کافی
نوشیدید.

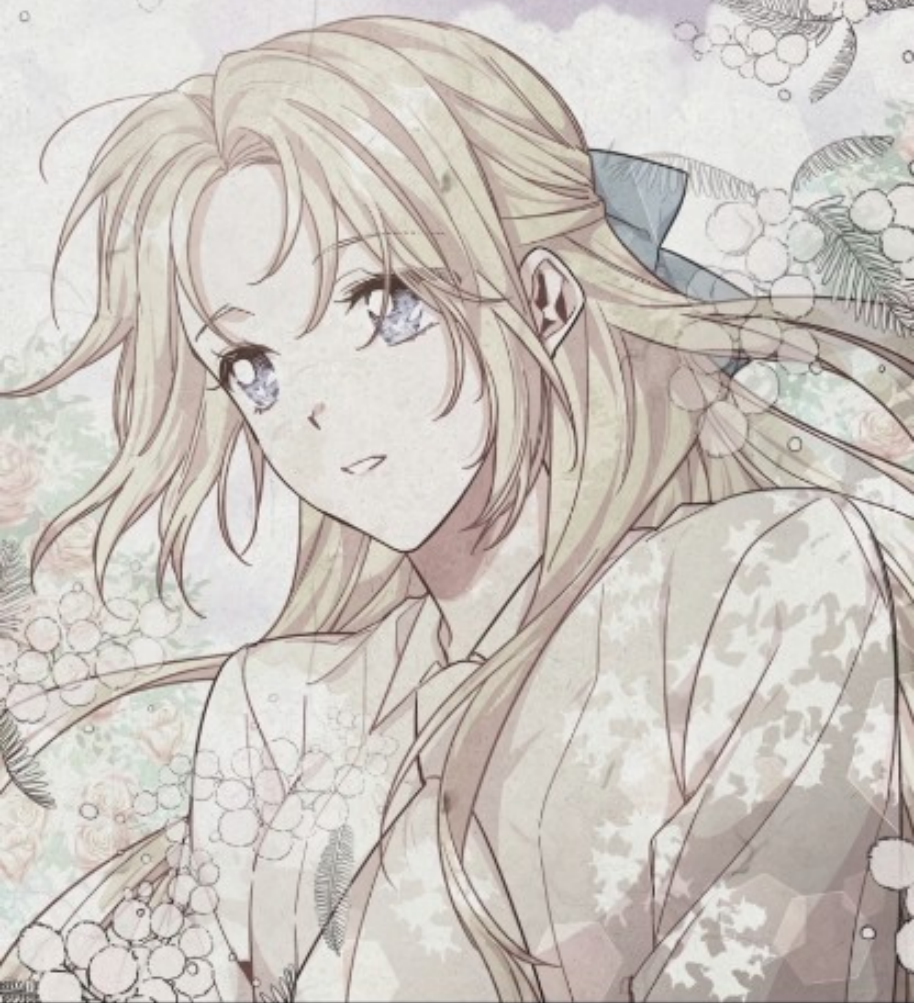




من فقط...
میخوام یکم دیگه
بنوشم.



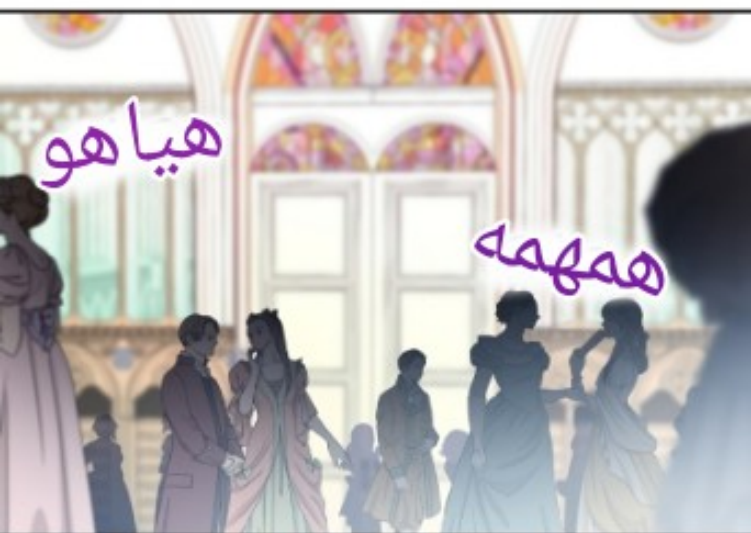
ليزه...



زیر لبی

آرزو میکنم
خوشحال باشی...

ای عشق من.



هيا هو

ههههه

خیلی استرس
دارین بانوی من؟



هو هو



...یکم.



عجیب به نظر
میرسم، ماری؟

نه شما خیلی
خوشگلین!!
خیلی خیلی!



هاها...

هی

ماری، میشه
برام داروی تو
کیفم رو بیاری؟

هنوز
سردرد دارین؟

با اینکه خیلی
گذشته ولی هنوز
خوب نشده.

به خاطر اینکه
که زیادی به خودتون
فشار آوردین.



خوب میشه.
فقط باید یکم
دارو بخورم.

هنوزم
رفع نشده؟



کی بہتر
میشی؟

مومو: جون بابا بچہ ہا دامادہ ہاااا 😊

م.ت: حملہ قلبی 1*-*

لیندن...!



چرا اینجایی؟
حاضر شدنت
تموم شده؟

حاضر شدن؟ آره.
وقت زیادی نمیگرفت.



امروز خیلی
خوش قیافه
شده...

BA-DUMP
با-دومپ

با-دومپ
BA-DUMP

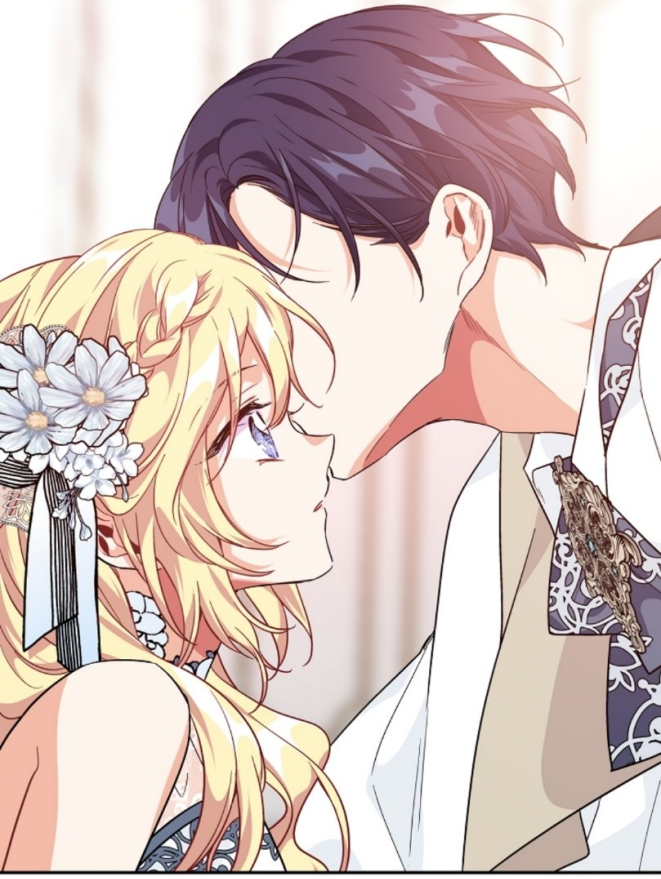


چطور شدم؟

خیلی خوشگل.

جوری که
میخوام درست
همین الان باهات
ازدواج کنم.

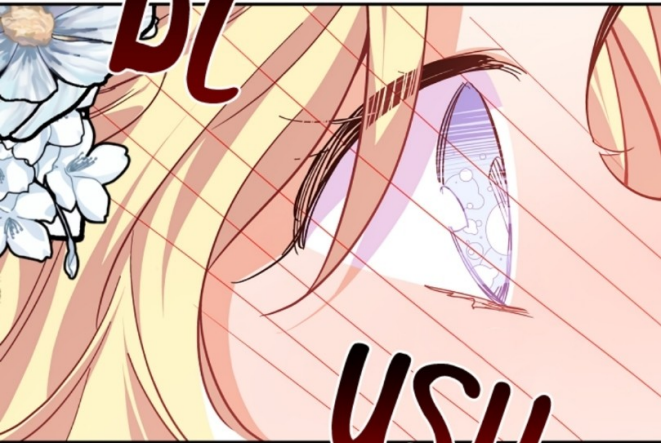
بوسه ♡



م.ت: و ضربه فنی *-
مومو: عرررر (♡▽♡)

قرمز

BL



شیدن
~SH~

لیندن، حس
میکنم اخیرا
مشتاق تر شدم!~

ها...

چون تو خیلی
بامزه ای.

آم...
بانوی من.

هم، چیه؟

یه مهمون...

اعلا حضرت
اینجان.

...!



MIJRAKA